



بررسی حکمرانی شایسته از منظر اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

علی حمیدی^۱

چکیده:

این مقاله که به روش توصیفی-تحلیلی و با هدف تحلیل نقش فریضه اجتماعی «امر به معروف و نهی از منکر» در ارتقای حکمرانی شایسته و تأثیر آن بر شفافیت، پاسخگویی و نظارت عمومی و توسعه مشارکت عمومی در نظام جمهوری اسلامی ایران، تدوین شده است به دنبال پاسخ این سؤال است که چگونه اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، می‌تواند در تقویت حکمرانی شایسته و ایجاد نظارت فعال مردم بر عملکرد دولت، مؤثر باشد، در این پژوهش، ابتدا مفاهیم مرتبط با اصل هشتم قانون اساسی و فریضه امر به معروف و نهی از منکر بررسی شده است مستندات قانونی و فقهی و همچنین داده‌های جمع‌آوری شده از منابع مختلف کتابخانه‌ای، چالش‌ها و فرصت‌های این اصل در زمینه حکمرانی شایسته شناسایی و تحلیل گردید. یافته‌ها، حاکی از این است که این اصل از قانون اساسی با تأکید بر مشارکت مردم در نظارت بر عملکرد دولت، می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای تحقق حکمرانی شایسته به کار گرفته شود. فریضه «امر به معروف و نهی از منکر»، با تقویت نظارت عمومی و ترویج مسئولیت‌پذیری در سطح جامعه، از یک‌سو موجب افزایش شفافیت حکومت و از سوی دیگر باعث ایجاد اعتماد عمومی می‌شود. در عین حال، چالش‌هایی همچون تفسیرهای سلیقه‌ای از این اصل، ممکن است اجرای مؤثر آن را دشوار کند و نیاز به اصلاحات قانونی و فقهی برای شفاف‌سازی فرآیندها داشته باشد. بنابراین، به‌کارگیری مؤثر اصل هشتم می‌تواند به ارتقای کیفیت حکمرانی، توسعه اجتماعی، اقتصادی و بهبود روابط میان مردم و دولت منجر شود به طوری که مشروعیت نظام سیاسی و ایجاد بسترهای لازم برای توسعه پایدار در کشور تقویت گردد.

واژگان اصلی: حکمرانی شایسته، امر به معروف و نهی از منکر، آرای عمومی، مشارکت، سرمایه اجتماعی، جامعه مدنی.

مقدمه

نیازهای مختلف و متعدد شهروندان و روابط پیچیده‌ی آنها ضرورت پیدا می‌کند که مدیریت و سیاست‌گذاری و حکمرانی متناسب با سطح نیازهای مردم تغییر، ترقی و به روزگردد حکمرانی شایسته بیش از دیگر انواع حکمرانی، در صدر رفیع نیازهای عمومی مردم و کیفیت بخشی به زندگی و سرنوشت مردم است چرا که این مدل از حکمرانی، حکومت به طور مؤثر و عادلانه عمل می‌کند و حقوق و آزادی‌های مردم را محترم می‌شمارد، فریضه امر معروف و نهی از منکر، به عنوان ابزاری برای نظارت بر حکومت و حفظ حقوق عمومی به خوبی وارد عمل می‌شود و مردم را به معنای واقعی در فرآیند حکمرانی دخالت می‌دهد پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ شمسی و تشکیل نظامی برپایه فریضه امر به معروف و نهی از منکر بر اهمیت موضوع افزود و آن را در کانون توجه اندیشمندان قرار داده است. این پژوهش صدد است با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و بررسی آثار علمی دیجیتال به بررسی مولفه‌های حکمرانی شایسته در راستای اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بپردازد ابتدا چالش‌های و فرصت‌های موجود در تحقق حکمرانی شایسته را شناسایی و اصلاح نماید.

در واقع هدف این مقاله، تبیین معیارهای حکمرانی شایسته از منظر فقه اسلامی و تحلیل رابطه آن از دیدگاه مردم است. همین راهکارهایی برای تقویت مشارکت مردم در نظام سیاسی و بهبود کیفیت زندگی اجتماعی و اقتصادی آنها مدنظر است. فرض بر این است که تحقق امر به معروف و نهی از منکر در جامعه می‌تواند به حکمرانی شایسته بینجامد و انتظار می‌رود که این تحقیق می‌تواند مسیرهای جدیدی را برای بهبود کیفیت حکمرانی و تقویت برنامه‌های عمومی آینده هر کشوری فراهم آورد چرا که در جمهوری اسلامی ایران با توجه به مبانی فقهی و حقوقی خاص خود پیوند تنگاتنگی با اصول قانون اساسی دارد از جمله با اصل هشتم قانون اساسی که در واقع پیوندی از نقش مردم در نظارت عمومی و مشارکت فعال در امور عمومی و مبانی دین اسلام دارد.

پیشینه و ضرورت انجام تحقیق

گرچه در آثار علمی متعدد راجع به حکمرانی و انواع و مدل‌های آن مطالب زیادی نگاشته شد ولی هیچ کدام به طور خاص، به حکمرانی شایسته و ارتباط آن با اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نپرداخته است. موسوی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی، به بررسی نقش اخلاق اسلامی

در حکمرانی مطلوب پرداخته و تأکید کرده اند که اصول اخلاقی، می توانند به عنوان مبنایی برای حکمرانی شایسته عمل کنند. همچنین، ابطحی و همکاران (۱۳۹۷) در تحقیق خود به تحلیل حکمرانی شایسته در نظام جمهوری اسلامی ایران پرداخته و بر لزوم توجه به فریضه امری معروف ونهی از منکر در سیاست گذاری ها تأکید کرده اند. در این روستا شاهرخی (۱۳۹۷) نیز به بررسی نقش مردم در حکومت اسلامی از منظر مقام معظم رهبری و شهید صدر پرداخته و به اهمیت نظارت مردم بر حاکمان، اشاره کرده است. به علاوه، در خشه و موسوی نیا (۱۳۹۳) در پژوهشی به مؤلفه های حکمرانی شایسته در سیره حکومتی پیامبر اسلام (ص) پرداخته و به تأثیر فریضه امری معروف ونهی از منکر بر حکمرانی اسلامی اشاره کرده اند. تحقیقی از محمد (۱۳۹۸) در مجله «پژوهش های حقوقی» به این مسئله پرداخته است نقش نظارت دولتی و مردمی را در بهبود حکمرانی شایسته بررسی کرده است. احمدیان و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله ای در «مطالعات مدیریت دولتی» به روش های عملیاتی کردن اصل هشتم در چارچوب سیاستهای کلی نظام پرداختند و تأثیر آن را بر شفافیت و پاسخگویی دولتی ارزیابی کردند. همچنین، در پژوهش دیگری توسط رضایی (۱۳۹۶) در مجله «علوم سیاسی»، به تأثیر این اصل بر جلوگیری از فساد و ایجاد دولت الکترونیک پرداخته است که همه این مطالعات نشان می دهند که نظارت عمومی طبق اصل هشتم می تواند به صورت موثری در نیل به حکمرانی شایسته یاری رساند ولی هیچ کدام کافی به مقصد نبودند و به طور خاص به حکمرانی شایسته از منظر اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی نپرداخته اند از این رو، برای روشن کردن و تسهیل در مشارکت عمومی، بهبود شفافیت و پاسخگویی نهادهای حکومتی به مردم، ترویج عدالت اجتماعی، افزایش مشروعیت و مقبولیت نظام و نهایتاً تقویت فرهنگ مسئولیت پذیری در پیشگیری از سوء استفاده های احتمالی توسط کارگزاران حکومت و توسعه پایدار و متوازن از طریق تدوین و اجرای سیاست هایی که بر مبنای اصل نظارت عموم شکل گرفته اند، بایستی به طور عملی به بررسی حکمرانی شایسته از نگاه اصل هشتم قانون اساسی پرداخت تا مخاطبین و آیندگان بهتر بتوانند در این خصوص گام بردارند.

۱- مفهوم شناسی

۱-۱- حکمرانی شایسته:

این نوع حکمرانی، شیوه ای از مدیریت است که بر اساس اصول اخلاقی، عدالت، شفافیت و کارآیی در اداره امور جامعه، سازمان یا کشور شکل می گیرد (صادقی، ۱۳۹۷) این سبک از مدیریت

درواقع به مجموعه ای از فرآیندهایی اشاره دارد که موجب تحقق حقوق بشر، تقویت دموکراسی و پیشبرد توسعه پایداری می‌شود (علی زاده، ۱۳۹۵) حکمرانی شایسته یک فرآیند پویاست که به همراه ارکان متعددی مانند قانون مداری، مشارکت اجتماعی، پاسخگویی و کارآمدی در برقراری و نگهداری روابط متوازن و عادلانه بین دولت، بخش خصوصی و مردم نقش مهمی ایفاء می‌کند (حسینی ۱۴۰۰)، با تأملی بیشتر، می‌توان گفت که حکمرانی شایسته یک رویکرد چند وجهی است که در آن دولت‌ها باید قادر به ارائه خدمات با کیفیت بالا به شهروندان خود، ایجاد فضایی منصفانه و شفاف برای تصمیم‌گیری‌ها و مسئولیت‌پذیری در قبال سیاست‌ها و اقداماتشان باشند (موسوی، ۱۳۹۶)، این امر می‌تواند از طریق تعامل با جامعه مدنی، تقویت نظم حقوقی و بهبود فرآیند‌های نظارتی تحقق یابد (مرادی، ۱۳۹۸)

این مدل از سبک زمامداری در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی از یکسری ویژگی‌هایی برخوردار است که مهم‌ترین این ویژگی‌ها عبارتند از: اول: شفافیت: برای مقبولیت بیشتر هر نوع حکمرانی باید برنامه‌های آن شفاف باشند با بررسی این مدل از حکمرانی، به نظر می‌رسد که بیش از دیگر سبک‌های مدیریتی، سیاست‌ها و برنامه‌های حکومتی آن قابل مشاهده و برای عموم مردم واضح هستند، تصمیم‌گیری‌ها، سیاست‌ها و هزینه‌ها باید به طور شفاف در معرض دید قرار گیرند (صادقی، ۱۳۹۷) دوم، پاسخگویی: در این نوع از مدل مدیریتی، دولتمردان و مقامات در برابر تصمیمات خود مسئولیت‌پذیر باشند و نتایج اقداماتشان را به مردم گزارش دهند (علیزاده، ۱۳۹۵)

سوم، عدالت و برابری: ارائه خدمات به مردم باید به طور عادلانه و برابری صورت گیرد به گونه‌ای که هیچ‌کسی از حقوق اساسی خود محروم نماند. (حسینی، ۱۴۰۰) چهارم، مشارکت: ایجاد بستری که مردم قادر به مشارکت فعال در فرآیندهای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری باشند، از اصول اساسی حکمرانی شایسته است (موسوی، ۱۳۹۶) پنجم، کارآمدی، یا بررسی بهره‌وری در نتایج انواع حکمرانی، ملاحظه می‌شود که حکمرانی شایسته از سیستم کارآمدی برخوردار است به طوری که با حداقل منابع، بیشترین نتایج را به دست می‌آورد (مرادی، ۱۳۹۸). بنابراین، ملاحظه می‌شود که حکمرانی شایسته فائز یک چارچوب مدیریتی است چراکه با آن حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی از طریق اصول اخلاقی، قانونی و بعضاً جامعه‌شناسی، محقق می‌گردند و مدل‌های مختلفی برای پیاده‌سازی آن مطرح شده است که یکی از شناخته شده‌ترین این مدل‌ها، مدل حکمرانی خوب است که توسط بانک جهانی معرفی شده بود.

۲- ابعاد مختلف حکمرانی شایسته (Good Governane)

حکمرانی شایسته که تحت استانداردهای جهانی و پشتیبانی دینی و با در نظر گرفتن نیازها و خواسته های جامعه، انجام می گیرد ابعاد مختلفی دارد:

۲-۱- بعد سیاسی: این مدل از حکمرانی به مؤلفه های شفافیت، پاسخگویی و مشارکت عمومی اشاره دارد بدین معنی که دولت ها به نیازهای مردم پاسخگو بوده و امکان مشارکت در تصمیم گیری های سیاسی را فراهم می آورد، وجود نهاد های نظارتی و افزایش شفافیت اطلاعات از مهم ترین الزامات این بعد از حکمرانی شایسته است (شفیعی، ۱۳۹۷).

۲-۲ - بعد اجتماعی: در این بعد، حکمرانی شایسته به ترویج عدالت اجتماعی، احترام به حقوق بشر و تساوی فرصت ها اشاره دارد دولت ها به ترویج قوانین و سیاست های اجتماع می پردازند و از افشار آسیب پذیر جامعه حمایت می کند و دسترسی به خدمات عمومی را برای همه تضمین می کند (احمدی، ۱۳۹۸)

۲-۳- بعد اقتصادی: حکمرانی شایسته در بعد اقتصادی به مدیریت منابع مالی و اقتصادی و ایجاد بستر مناسب برای رشد و توسعه پایدار اشاره دارد که شامل سیاست هم اقتصادی شفاف، مبارزه با فساد و ارتقاء مشارکت بخش خصوصی در اقتصاد است، اقدامات برای بهبود فضای کسب و کار و جلب سرمایه گذاری نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار است (زاهدی، ۱۴۰۰)

۲-۴- بعد فرهنگی: این بعد از حکمرانی شایسته به تقویت هویت فرهنگی، آموزش و ترویج ارزش های اجتماعی و فرهنگی اشاره دارد دولت ها باید به فضاهای فرهنگی و هنری به نحو بهتری اهمیت دهند و از تنوع فرهنگی حمایت کنند چرا که این موضوع نه تنها به ارتقاء فرهنگ عمومی کمک می کند بلکه موجب تقویت همستگی اجتماعی نیز می شود (میردامادی، ۱۳۹۹)

۳- تطبیق حکمرانی شایسته با استانداردهای جهانی

سبک مدیریتی حکمرانی شایسته در سطح بین المللی از اهمیت بالایی برخوردار است و توسط بسیاری از هر بار جهانی نظیر سازمان ملل متحد بانک جهانی و سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) ترویج می شود این نوع زمامداری با تاکید بر مشارکت عمومی، شفافیت و پاسخ گویی به مردم به طور مستقیم - بهبود کیفیت زندگی اجتماعی در اطلاعات و ی اقتصادی و سیاسی، کمک می کند. (بانک جهانی، ۲۰۰۷م) نهاد های بین المللی چون بانک جهانی، سازمان ملل متحد، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، در راستای ترویج حکمرانی شایسته رهنمودهایی به کشورها داشتند و توصیه نمودند

که از اصول مشترک جهانی پیروی کنند تا زمامداری مورد قبول و وفاق عام جامعه منطبق با استانداردهای جهانی شکل بگیرد، از جمله این اصول: اول: مشارکت، بدین معنی که تمام گروه‌ها و افراد جامعه در فرایندهای تصمیم‌گیری، دخیل باشند این اصل باید در جوامع دموکراسی و حامی حقوق شهروندی در اولویت باشد. مشارکت به اشکال مختلف نظیر انتخابات، مشاوره‌های عمومی و استفاده از فن‌آوری‌های نوین، رسانه‌های اجتماعی، می‌تواند انجام گیرد (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۰۱۵).

دوم: شفافیت، فراهم نمودن دسترسی آزاد و بدون مانع به اطلاعات، همان شفافیت است، حسب نظر سازمان محل متحد، شفافیت اعمال حکومتی به افزایش اعتماد عمومی و کاهش فساد کمک می‌کند (سازمان ملل متحد، ۱۹۹۷). اطلاعات مربوط به اعمال حکومت‌ها باید به صورت دقیق، قابل فهم و در دسترس عموم قرار گیرد تا مردم بتوانند فرآیند‌های تصمیم‌گیری را پیگیری کنند (بانک جهانی، ۲۰۱۵).

سوم، پاسخ‌گویی، مسئولیت‌پذیری مقامات دولتی در قبال تصمیمات و عملکرد به خود است، این اصل موجب ایجاد نظارت اجتماعی و کارایی بیشتر در دولت‌ها می‌شود (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۰۱۴). این اصل از حکمرانی، از طریق نظارت عمومی، رسانه‌های جمعی و سیستم‌های حقوقی شفاف قابل دستیابی است (بانک جهانی، ۲۰۱۷). چهارم، اثر بخشی و کارایی، حکمرانی شایسته باید به طور موثر و کارآمد بتواند به اهداف خود دست یابد این اصل که به استفاده بهینه از منابع و تحقق اهداف بلندمدت حکومتی اشاره دارد کشورهای که این سیستم حکمرانی اثربخش را دارند می‌توانند با حداقل منابع به نتایج مطلوب دست یابند (بانک جهانی، ۲۰۰۸). پنجم، عدالت، این اصل مهم و کلی که به معنای رعایت حقوق تمامی افراد جامعه و برابری آنها در برخورداری از خدمات عمومی و دولتی است از نظر ملی و بین‌المللی اهمیت ویژه‌ای دارد و باید در تمام سطوح حکمرانی، اعمال شود (سازمان ملل متحد، ۲۰۰۲). همچنین طبق استانداردهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، حقوق شهروندان باید به طور یکسان و بدون تبعیض در تصمیمات حکومتی رعایت گردد. و ششم: حاکمیت قانون، حاکمیت قانون از جمله اصول بنیادین و هم حکمرانی شایسته است طبق آن تمامی افراد جامعه حتی مقامات دولتی، باید در برابر قانون پاسخ‌گر باشند. این اصل به حفظ نظم اجتماعی و تأمین حقوق بشر کمک می‌کند (بانک جهانی، ۲۰۰۳). گزارش‌های بانک جهانی نشان می‌دهند که در کشورهایی که حاکمیت قانون به طور موثر پیاده‌سازی می‌شود، میزان فساد کاهش یافته و عدالت اجتماعی به طرز بیشتر و بهتری برقرار می‌گردد (بانک جهانی، ۲۰۰۳).

۲- تأملی بر اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

در متن این اصل به صراحت و با اقتدار آمده است که «در جمهوری اسلامی ایران، دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت است» بیانگر این است که فریضه ی مهم دینی امر به معروف و نهی از منکر در ابعاد و سطوح مختلف جامعه بر عموم مردم و دولت واجب است یعنی هر فرد در جامعه وظیفه دارد تا در بهبود شرایط اجتماعی و ارتقاء اخلاقیات نقش ایفاء کند (مطهری، ۱۳۷۲). این اصل در واقع نشان دهنده نقشی دو سویه است، از یک طرف، شهروندان حق دارند تا از مسئولان انتظار رعایت امور شرعی و اخلاقی را داشته باشند و از سوی دیگر، مسئولان باید به ترویج این اصول پردازند (بازرگان، ۱۳۷۴) علاوه بر این، این اصل تا کید دارد که اجرای این وظیفه می تواند تأثیر گسترده ای بر تعاملات اجتماعی و سیاسی کشور داشته باشد، نقد سازنده و نظارت عمومی جزء لاینفک مسئولیت اجتماعی هر فرد است (صادقی، ۱۳۸۷) امر به معروف و نهی از منکر می تواند به عنوان یک سازو کار اجتماعی برای تقویت اخلاق عمومی در نظر گرفته شود این موضوع به افزایش همبستگی اجتماعی و کاهش فساد کمک می کند (ملکیان، ۱۳۸۰) البته علیرغم اهمیت بالایی که این اصل دارد، اجرای آن با چالش هایی نظیر تفسیر صحیح از اصطلاحات معروف و منکر یا دخالت های افراطی و شخصی در امور دیگران مواجه است (عبد الکریمی، ۱۳۸۰).

۲-۱ جایگاه اصل هشتم قانون اساسی در نظام حقوقی ایران

این اصل که به اجرای فریضه اسلامی امر به معروف و نهی از منکر در جامعه می پردازد. در راستای حفظ ارزش های اسلامی و تلاش برای رسیدن به جامعه ای متنی بر اخلاق و شریعت اسلامی، طراحی و تصویب شده است و چارچوبی برای پیشبرد ارزش های اسلامی در جامعه فراهم می کند و بیانگر التزام به اصول اخلاقی است که نظام دینی و مذهبی تأیید می کند (مطهری، ۱۳۶۳) این اصل در نظام حقوقی ایران، تأکیدی است که بر این که مسئولیت اجرای امر به معروف و نهی از منکر نه تنها بر عهده دولت است بلکه بردوش همه افراد جامعه قرار دارد (بهشتی، ۱۳۶۰) به منظور تسهیل اجرای این اصل، قوانین خاصی مانند قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر در سال ۱۳۹۴ تصویب رسید که سازوکار اجرایی مشخصی برای حمایت از افراد فعال در این زمینه فراهم می آورد. این اصل، علاوه بر جوانب حقوقی اجتماعی در حوزه ی آموزش و فرهنگ سازی نیز موثر است نظام آموزشی

ورسانه‌ها ابزار مهم برای ترویج فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر هستند (هاشمی، ۱۳۹۰). با وجود اهمیت این اصل در نظام حقوقی ایران و بعضی کشورهای اسلامی مرتبط، چالش‌هایی مانند سوء استفاده احتمالی، تفسیرهای سلیقه‌ای و مواجهه با مفهوم حریم خصوصی وجود دارند که تحقیقات و مباحثات زیادی پیرامون آن شکل گرفته است (کاویانی، ۱۳۶۲).

۲-۲- اصول و مفاهیم مرتبط با اصل هشتم قانون اساسی ج، اسلامی ایران

۲-۲-۱ - نظارت عمومی

نظارت عمومی (public oversight) یکی از مفاهیمی است که مبتنی بر اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد و از محتوای اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برداشت می‌شود، و نه تنها به عنوان یک الزام اخلاقی و دینی شناخته می‌شود، بلکه مورد پذیرش حقوق نیز قرار گرفته است و در قانون اساسی به عنوان وظیفه‌ای متقابل میان مردم و دولت مطرح شده است، از این منظر، نظارت عمومی، ماهیتی اجتماعی - حقوقی دارد و علاوه بر این که موجب تقویت سلامت جامعه می‌شود، نقش کلیدی در پیاده‌سازی شفافیت و پاسخگویی حاکمیت نیز ایفاء می‌کند در متن اصل هشتم قانون اساسی از سه منظر فریضه امر به معروف و نهی از منکر با اصل نظارت عمومی، پیوند می‌خورد یکی اینکه وظیفه‌ی اجرای امر به معروف و نهی از منکر تنها میان مردم، بلکه وظیفه‌ای میان مردم و دولت متقابل است، دوم اینکه، نظارت عمومی بر دولت (مردم نسبت به دولت) بخشی از این تکلیف همگانی تلقی می‌شود، سوم اینکه، شرایط و چهارچوب این نظارت باید توسط قانون مشخص گردد. بنا بر این اصل نظارت عمومی که برخاسته از اصل هشتم و فریضه امر به معروف و نهی از منکر است، در واقع به معنای حق و تکلیف شهروندان برای نظارت بر رفتار اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جامعه و نیز ارزیابی عملکرد نهادهای دولتی و حکومتی می‌باشد این نظارت یکی از ضمانت‌های اجرایی برای جلوگیری از بی‌عدالتی و فساد در جامعه به شمار می‌آید. (الله کریم، ۱۳۹۸) مفهوم نظارت عمومی از دو منظر قابل تحلیل است:

۱- وظیفه مردمی برای اصلاح جامعه: در این مفهوم، افراد جامعه مسئولیت دارند که ضمن ترویج ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی، انحرافات را از محیط عمومی دور کنند که این امر در قالب امر به معروف و نهی از منکر جلوه‌گر است.

۲- نظارت بر عملکرد دولت: نظارت عمومی از جنبه دیگر، متضمن حق مردم برای کنترل حکومت است این مفهوم در حقوق عمومی مشابه مفهوم (accountability) یا پاسخگویی مطرح

می‌گردد که به موجب آن دولت باید در برابر عملکرد خود به شهروندان پاسخ دهد و شفافیت لازم را فراهم نماید (نجفی، ۱۳۹۴). در نظام حقوقی ایران، نظارت عمومی بر دوپایه بنا شده است. یکی مبانی شرعی و اخلاقی که بیانگر این است که نظارت عمومی ریشه در فریضه امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یکی از مهم‌ترین واجبات اسلامی دارد این وظیفه در بعد اجتماعی و سیاسی از طریق نظارت مردم بر نهادهای حکومتی نیز تحقق می‌یابد.

دوم، مبانی قانونی که علاوه بر اصل هشتم قانون اساسی برخی قوانین دیگر، به انحاء دیگر، نظارت عمومی را تقویت می‌کنند مثلاً قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از شکر (۱۳۹۴) - اصل ۲۶ قانون اساسی که آزادی اجتماعات و تشکل‌های مردمی اشاره دارد و از نظارت سازمان یافته پشتیبانی می‌کند همین‌طور قوانین مربوط به رسانه‌ها و مطبوعات نیز به عنوان ابزارهای نظارت عمومی، نقش مهمی در این فرایند دارند (حیدری ۱۳۹۶)

۲-۲-۲ - مشارکت مردم: اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به طور مستقیم به موضوع مشارکت اجتماعی و نظارت عمومی مردم بر امور حکومتی و اجتماعی اشاره دارد. این اصل که بر مبنای فریضه امر به معروف و نهی از منکر استوار است مفهوم مشارکت مردم را در قالب وظیفه دینی و اجتماعی معرفی می‌کند در این چارچوب، مشارکت مردم نه تنها به عنوان یک ابزار برای اصلاح جامعه، بلکه به عنوان یک مسئولیت اخلاقی و قانونی برای حفظ عدالت، شفافیت و پیشگیری از فساد مطرح است. در این نوشتار به تحلیل این اصل و مفهوم «مشارکت مردم» به عنوان یکی از ابعاد مهم اصل هشتم قانون اساسی خواهیم پرداخت. اصل هشتم قانون اساسی که در واقع از مفاهیم بنیادی اسلام و جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود، مفهوم مشارکت در ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی و دینی به طور مستقیم مورد تأکید قرار داده است در این چارچوب، مشارکت مردم به معنای دخالت آنان در مسائل اجتماعی و سیاسی جامعه، به ویژه در نظارت بر عملکرد دولت و دستگاههای اجرایی مطرح است، مشارکت مردم به عنوان یک وظیفه همگانی، هم در سطح فردی و هم در سطح جمعی، باعث می‌شود که جامعه از سلامت و شفافیت لازم بر خود دار باشد. این مشارکت به ویژه در قالب نظارت عمومی، اصلاحات اجتماعی و پیشگیری از فساد در حکمرانی به شدت مؤثر است از این رو، اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به طور غیر مستقیم به مشارکت اجتماعی مردم در فرآیندهای نظارتی و اصلاحی تأکید دارد. مشارکت مردم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، علاوه بر بعد اجتماعی و دینی، بعد سیاسی نیز دارد. اصل هشتم به ویژه بر مسئولیت‌های متقابل میان مردم میان مردم

و دولت در زمینه اصلاحات اجتماعی و نظارت بر عملکرد دستگاه‌های حکومتی، تأکید می‌کند این مشارکت بر اساس مفهوم امر معروف و نهی از منکر از حیث دینی است اما در بعد سیاسی نیز می‌توان آن را به عنوان حق مردم در نظارت بر عملکرد دولت و ارگان‌های دولتی تلقی کرد.

طبق اصل هشتم، مردم در نظارت بر عملکرد دولت، مسئولیت دارند این مسئولیت علاوه بر این که یک تکلیف دینی است، در نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از اصول حقوقی مردم محسوب می‌شود. مردم می‌توانند با استفاده از ابزارهایی نظیر رسانه‌ها، نهادهای مدنی، احزاب سیاسی و همچنین از طریق انتخابات بر دولت نظارت کرده و تاثیر گذار باشند در واقع مشارکت مردم در نظارت به معنای یک حق قانونی برای ارزیابی عملکرد دستگاه‌های اجرایی و حتی قوه قضائیه است. این مشارکت می‌تواند در قالب گزارش دهی به نهادهای مسئول، اعتراض به اقدامات دولتی و یا در قالب اعتراضات اجتماعی و سیاسی انجام گیرد (الله کرم، ۱۳۹۸).

مشارکت مردم در فرآیندهای تصمیم‌گیری مهم اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در سطح کلان و خرد نیز مورد تأکید قرار دارد اصل هشتم قانون اساسی با توجه به مفهوم امریه معروف و نهی از منکر به طور غیرمستقیم اشاره می‌کند که مردم باید در ساختارهای تصمیم‌گیری کشور نقش داشته و قادر به مشارکت فعال در تصمیمات حکومتی باشند این امریه ویژه در انتخابات نمایندگان مجلس، انتخاب رئیس جمهور و سایر نهادهای عمومی به طور عملی محقق می‌شود.

۲-۲-۲ رابطه دو مؤلفه مشارکت مردم و نظارت عمومی: از جمله ابعاد مهم مشارکت مردم در برنامه‌ها و تصمیمات نظام جمهوری اسلامی ایران، ارتباط آن با نظارت عمومی است. در واقع، نظارت عمومی یکی از جلوه‌های مشارکت اجتماعی و دینی مردم است که در اصل هشتم قانون اساسی به عنوان یک مسئولیت همگانی مطرح شده است در این راستا نظارت عمومی مردم بر دولت و همچنین نظارت مردم بر یکدیگر ابزاری برای اطمینان از اجرای درست و اهداف جمهوری اسلامی محسوب می‌شود یکی از نظارت مردم بر دولت است که مردم از طریق مشارکت‌های مختلف عملکرد دولت را زیر نظر دارند آنها سیاست‌های اجرایی دولت را پیگیری می‌کنند بر نحوه مبارزه با فساد توجه دارند اقدامات غیرقانونی زمامداران را پیگیری می‌کنند این نوع نظارت به طور عمده از طریق رسانه‌ها، گزارش‌های مردمی و نهادهای نظارتی مستقل به ویژه سازمان‌های مردم‌نهاد (NGO) صورت می‌گیرد (حیدری، ۱۳۹۶). دوم، نظارت مردم بر یکدیگر، مشارکت مردم در نظارت بر یکدیگر یکی از اصول بنیادین امریه معروف و نهی از منکر است که در اصل هشتم مطرح شده است. در این راستا، مردم باید بر رفتار یکدیگر نظارت کرده

وازا انحرافات اخلاقی، اجتماعی و دینی جلوگیری می شود، در نتیجه امر به معروف و نهی از منکر در سطح عمومی به عنوان ابزاری برای پیشگیری از فساد، تقویت ارزش های اجتماعی و دینی و حفظ اخلاق در جامعه ایفای نقش می کند.

۳-۲-۲- چالش های مشارکت مردم:

هرچند مشارکت مردم در نظارت عمومی و فعالیت های اجتماعی به عنوان یک اصل ضروری در جمهوری اسلامی ایران تلقی می شود ولی در برخی موارد این اصل عمومی دچار چالش ها و نقدها و مشکلاتی است: یکی از این چالش ها، ضعف آگاهی مردم از حقوق و مسئولیت های خود در زمینه مشارکت اجتماعی و نظارت بر عملکرد دولت می باشد که به نوبه خود می تواند به عدم تحقق کامل این مشارکت منجر شود برای رفع این مشکل، آموزش های عمومی و رسانه ای می تواند نقش مؤثری در افزایش آگاهی مردم ایفاء کند. دومین چالش، محدودیت های قانونی و عملی است که در برخی موارد در فرایند مشارکت مردمی در امور کشور محدودیت های قانونی یا عملی وجود دارد که مانع از تحقق نظارت عمومی به طور کامل می گردد، به عنوان مثال، برخی از فعالیت های نظارتی ممکن است تحت تأثیر محدودیت های حقوقی یا سیاسی قرار گیرند. سومین مورد از چالش ها و مشکلات، سوء استفاده از مشارکت های عمومی است در برخی موارد، ابزارهای نظارتی و مشارکتی می تواند به طور نادرست و به منظور مقاصد سیاسی و یا تخریب رقبای سیاسی استفاده شوند این امر می تواند منجر به انحراف از هدف اصلی مشارکت اجتماعی و نظارت عمومی شود.

۳- رابطه بین حکمرانی شایسته با اصل هشتم قانون اساسی

رابطه بین حکمرانی شایسته و اصل هشتم قانون اساسی در تأکید بر مشارکت مردمی و نظارت عمومی بر عملکرد دولت ها قابل مشاهده است. حکمرانی شایسته با تأکید بر شفافیت و پاسخگویی، به طور مستقیم با اصولی که در اصل هشتم قانون اساسی مطرح شده اند هم راستا است این اصل مردم را به عنوان ناظران و مشارکت کنندگان فعال در فرآیندهای حکومتی معرفی می کند که این خود یکی از ارکان حکمرانی شایسته است (حسن، ۲۰۱۷، داوودی، ۲۰۱۶) حکمران شایسته و اصل هشتم قانون اساسی در تلاش برای ایجاد یک نظام حکومتی شفاف و پاسخگو با یکدیگر هم پوشانی دارند تقویت این اصول می تواند به بهبود عملکرد دولت و افزایش اعتماد عمومی منجر شود (مقدم، ۱۳۹۹).

۳-۱- اصول حکمران شایسته در نظام جمهور اسلام ایران

در نظام جمهوری اسلامی ایران، اصول حکمرانی شایسته بر مبنای مفاهیمی چون عدالت، شفافیت پاسخگویی، مشارکت عمومی و حاکمیت قانون استوارند این اصول به طور کلی در اسناد و منابع مختلفی مورد بحث قرار گرفته اند در ادامه به برخی از این اصول و منابع مرتبط اشاره خواهیم کرد: عدالت به عنوان یکی از اصول اساسی در حکمرانی شایسته، به معنای توزیع عادلانه منابع و فرصت‌ها در جامعه است. این اصل در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به طور گسترده مورد تأکید قرار گرفته است. مورد دوم شفافیت است که به معنای دسترسی آزاد و آسان به اطلاعات و فرآیندهای تصمیم‌گیری است. این اصل به افزایش اعتماد عمومی و کاهش فساد کمک می‌کند (سازمان ملل متحد، ۱۳۸۸).

اصل بعدی پاسخگویی به معنای مسئولیت‌پذیری نهادهای حکومتی در قبال عملکرد خود و پاسخ به نیازها و خواسته‌های مردم است این اصل در نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از ارکان حکمران شایسته شناخته می‌شود (حسن، ۱۳۷۷). اصل دیگر، مشارکت عمومی در فرآیندهای تصمیم‌گیری و نظارت بر عملکرد دولت است این مؤلفه در واقع در اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به طور خاص مورد تأکید قرار گرفته است. اصل پایانی حاکمیت قانون به معنای اجرای قوانین به صورت عادلانه و بدون تبعیض است. این اصل به عنوان یکی از پایه‌های حکمرانی شایسته در نظام جمهوری اسلامی ایران شناخته می‌شود (داوودی، ۱۳۹۰).

۳-۲- ارتباط بین مشارکت مردم و حکمرانی شایسته

حکمرانی شایسته و مشارکت مردم و دو مفهوم کلیدی در علوم اجتماعی و سیاست هستند که ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارند و در بسیاری از نظام‌های حکومتی و اجتماعی به عنوان عامل‌های مهمی در ایجاد و حفظ عدالت و توسعه و پایداری نظام سیاسی و اقتصادی شناخته می‌شوند (بهنش، ۱۳۹۹). مشارکت مردم از نظر نظری و عملی می‌تواند به عنوان ابزاری برای تقویت دموکراسی، شفافیت و افزایش پاسخگویی، دولت‌ها به نیازها و خواسته‌های جامعه مورد استفاده قرار گیرد (بانک جهانی، ۱۳۹۲). مشارکت مؤثر مردم باعث می‌شود که سیاست‌ها و تصمیمات اجرایی بادیدگاه‌ها و نیازهای واقعی مردم منطبق شود و در نتیجه احتمال موفقیت و پایداری آنها بیشتر باشد (جمشیدی، ۱۴۰۱). حکمرانی شایسته هم به عنوان یک مدام‌دیریتی و سیاسی می‌تواند باعث تقویت اعتماد عمومی و ایجاد محیطی پایدار و سالم برای رشد اقتصادی و اجتماعی گردد ارتباط بین اصل مشارکت مردم و سبک مدیریتی حکمرانی شایسته در بُعد قابل بررسی است. الف- تقویت

دموکراسیوپاسخگویی: مشارکت مردم می تواند به طور مستقیم حکمرانی شایسته را تقویت کنزمانی که مردم در فرآیندهای تصمیم گیری مشارکت می کنند دولت ها ناچار به پاسخگویی بیشتری به نیازها و انتظارات عمومی خواهند شد این امر موجب می شود که سیاستها و تصمیمات دولت ها با دقت بیشتری تدوین شوند و به طور مؤثری به نیازهای مردم پاسخ دهند (حمشیدی، ۱۴۰۱) در نتیجه حکمرانی شایسته با افزایش مشارکت مردم بهبود می یابد (بهمنش، ۱۳۹۹)

ب- افزایش شفافیت و کاهش فساد: مشارکت مردم در نظارت بر فعالیت های دولت می تواند به افزایش شفافیت و کاهش فساد کمک کند به ویژه وقتی که مردم در فرآیندهای اجرایی و نظارتی نقش داشته باشند احتمال بروز فساد و سوء استفاده کاهش می یابد (باباخانی، ۱۴۰۰) حکمرانی شایسته نیز بر این موضوع تأکید دارد که شفافیت و نظارت عمومی از ارکان ضروری برای بهبود عملکرد دولت ها و افزایش اعتماد عمومی است (بانک جهانی، ۱۹۹۲)

ج- ارتقاء عدالت اجتماعی

مشارکت مردم به ویژه در جوامع متنوع و چندگانه می تواند به عدالت اجتماعی کمک کند وقتی مردم از اقشار مختلف جامعه (از جمله گروه هایی کم درآمد، اقلیت ها و نهادهای اجتماعی) در فرآیندهای تصمیم گیری مشارکت می کنند، این امکان فراهم می آید که سیاست ها و تصمیمات اجرایی به طور عادلانه تری توزیع شوند و گروه های آسیب پذیر هم در روند حکمرانی شایسته سهم شوند (بهمنش، ۱۳۹۹)

د- توانمندسازی جامعه

از جمله ویژگی های حکمرانی شایسته توانمندسازی مردم است این توانمندسازی نه تنها از طریق آموزش و دسترسی به اطلاعات بلکه از طریق مشارکت فعال در فرآیندهای حکومتی و تصمیم گیری های امکان پذیر است (حمشیدی، ۱۴۰۱) مشارکت مردم باعث می شود که جامعه احساس مسئولیت کند و در نتیجه اثرات بهتری برای ارتقاء سطح زندگی، رفاه اجتماعی و توسعه پایدار خواهد داشت (باباخانی، ۱۴۰۰)

۳-۳ نقش نظارت عمومی در حکمرانی شایسته

نظارت عمومی یکی از ارکان اساسی حکمرانی شایسته به شمار می رود و از دیدگاه بسیاری از پژوهشگران، تضمین کننده پاسخگویی، شفافیت و مشارکت شهروندان در فرآیندهای تصمیم گیری است. نظارت عمومی نه تنها به اصلاح و پیشگیری از فساد اداری و مالی کمک می کند بلکه باعث

تقویت احساس اعتماد بین دولت و مردم می‌شود (حسینی و همکاران ۱۳۹۹) در واقع، نظارت عمومی ابزاری است که مردم از طریق آن می‌توانند عملکرد حاکمیت را ارزیابی کرده و خواسته‌ها و انتظارات خود را به مسئولان منتقل کنند (صادقی نژاد، ۱۴۰۰) یکی از تأثیرات مثبت نظارت عمومی در حکمران شایسته، ارتقاء شفافیت است به طوری که دولت‌ها موظف می‌شوند اطلاعات مهم و تصمیمات کلیدی را با مردم در میان بگذارند (کریمی، ۱۳۹۸) از سوی دیگر، مشارکت فعال شهروندان در نظارت سبب توانمندسازی جامعه مدنی شده و به توسعه اجتماعی و سیاسی کمک می‌کند (دهقانی و رضوانی، ۱۴۰۱) همچنین نظارت عمری نقش پیشگیرانه در برابر سود استفاده از قدرت ایفا می‌کند چرا که مقام دولتی زیر ذره بین جامعه قرار دارند و همین موضوع موجب رفتار مسئولانه تر آنان می‌شود (محمدی و احمد پور، ۱۴۰۰) بنا براین، نظارت عمومی نه تنها ارزش‌های دموکراتیک مانند پاسخگویی و شفافیت را تقویت می‌کند، بلکه به طرز معناداری کیفیت تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های دولت را نیز بهبود می‌بخشد.

۴- نقش اصل هشتم قانون اساسی در تقویت حکمرانی شایسته

اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که به اشکال اجرایی فریضه امر به معروف و نهی از منکر شهرت دارد یکی از اصول بنیادینی است که به تقویت حکمرانی شایسته از طریق نظارت همگانی و مشارکت فعال مردم و دولت کمک می‌کند. این اصل تأکید بر مسئولیت متقابل افراد و مسئولان دارد و زمینه ساز شفافیت، پاسخگویی و پیشگیری از فساد در ساختارهای حاکمیتی است. (حسینی فر، ۱۳۸۹) اجرای صحیح این اصل باعث می‌شود دولت هانسبت به خواسته‌های مردم حساس تر شده و تصمیمات خود را در چارچوب منافع عمومی اتخاذکنند (احمدی، ۱۴۰۰) و در نتیجه اصل هشتم در ارتقاء عدالت اجتماعی، شفافیت و تعامل سازنده بین مردم و مسئولان نقش کلیدی ایفاء می‌کند

۴-۱- بررسی آثار و پیامدهای عملی اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی در حکمرانی شایسته

اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که به طور سریع به کارکردهای فریضه امر به معروف و نهی از منکر می‌پردازد تأثیر گسترده‌ای بر حکمرانی شایسته دارد این اصل با تأکید بر مسئولیت‌پذیری و نظارت عمومی به تقویت شفافیت و پاسخ‌گویی در نظام حکومتی کمک می‌کند از جمله آثار مثبت این اصل افزایش مشارکت مردمی در فرآیندهای تصمیم‌گیری و نظارت بر عملکرد دولت است که به نوبه خود باعث کاهش فساد و سوء استفاده از قدرت می‌شود (حسینی فر، ۱۳۹۹).

همچنین این اصل با ترویج فرهنگ نظارت و انتقاد سازنده زمینه ساز بهبود کیفیت خدمات عمومی و ارتقا عدالت اجتماعی می گردد (کریمی، ۱۴۰۰). در واقع اجرای مؤثر اصل هشتم می تواند به تقویت اعتماد عمومی به نهادهای دولتی و افزایش مشروعیت آن منجر شود (صادقی، ۱۳۹۸). همچنین این اصل با ایجاد فضای گفتگو و تعامل بین مردم و مسئولان به توسعه اجتماعی و سیاسی جامعه کمک می کند (احمدی، ۱۴۰۱). بنابراین اصل هشتم قانون اساسی نه تنها به عنوان یک ابزار نظارتی بلکه به عنوان یک چارچوب فرهنگی و اجتماعی برای بهبود حکمرانی شایسته عمل می کند.

۲-۴- کارکردهای واقعی از تاثیر اصل هشتم در فرایند حکمرانی شایسته

اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر فریضه امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک ابزار نظارتی و اصلاحی در فرایند حکمرانی شایسته شناخته می شود، یکی از کارکردهای واقعی این اصل تقویت فرهنگ مسئولیت پذیری در جامعه است زیرا مردم و مسئولان در سایه این اصل به نظارت متقابل و اعمال انتقاد سازنده تشویق می شوند (حسینی فر، ۱۳۹۸). همچنین اصل هشتم زمینه ساز شفافیت بیشتر در ساختارهای حکومتی بوده و از طریق افزایش پاسخ گویی مقامات از بروز فساد سیستماتیک جلوگیری می کند (صادقی، ۱۳۹۹). این اصل نقش موثری در افزایش مشارکت اجتماعی دارد و به مردم اجازه می دهد در فرآیند تصمیم گیری و سیاست گذاری های عمومی نقش فعالی ایفا کنند (رحیمی و احمدی، ۱۴۰۰). به علاوه، اجرای این اصل، موجب بهبود عدالت اجتماعی شده و اعتماد متقابل میان مردم و حکومت را تقویت می کند (کریمی، ۱۴۰۰). به لحاظ عملی، اصل هشتم فضایی ایجاد می کند که دولت ها در چارچوب منافع عمومی فعالیت کرده و نسبت به انتظارات و مطالبات مردمی پاسخ گو باشند (اکبری، ۱۴۰۱). بنابراین این اصل به عنوان یکی از سازوکارهای مهم در جهت تحقق حکمرانی شایسته به خوبی عمل می کند.

۳-۴ ارزیابی تاثیر اصل هشتم قانون اساسی، بر شفافیت، پاسخگویی و مسولیت پذیری مقامات

اصل هشتم قانون اساسی که ریشه ی فقهی-حقوقی و سیاسی دارد، نقش بسیار مهمی در ارتقاء شفافیت پاسخگویی و مسئولیت پذیری مقامات حاکم دارد. این اصل نه تنها به عنوان یک الزام دینی و اخلاقی بلکه به عنوان یک ابزار اجتماعی و قانونی در تحقق حکمرانی شایسته به شمار می آید. بررسی تاثیر این اصل بر شفافیت، پاسخگویی و مسئولیت پذیری مقامات حاکم، جنبه های مختلفی از روابط اجتماعی و حکومتی را در بر می گیرد که به طور خاصی در پیشبرد اهداف حکمرانی شایسته تاثیر گذار است. شفافیت که به معنای اطلاع رسانی دقیق و به موقع از تصمیمات، اقدامات و منابع مالی دولت

است. اجرای اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر نظارت عمومی و مسئولیت‌پذیری مستقیماً به افزایش شفافیت کمک می‌کند. این اصل مردم را موظف می‌کند تا در قبال اعمال حکومت نظارت کرده و از مسئولان خواستار شفافیت در عملکرد و تصمیماتشان شوند (کریمی، ۱۳۸۸). این نظارت عمومی باعث می‌شود که مقامات نتوانند تصمیمات خود را پشت پرده و بدون اطلاع مردم اتخاذ کنند بلکه مجبورند همه اقدامات خود را در چارچوب اصول شفافیت و پاسخگویی قرار دهند. از این رو، اصل هشتم به تقویت شفافیت و مقابله با فساد منجر می‌شود.

پاسخگویی مقامات حاکم به مردم یکی از ارکان حکمرانی شایسته است. اصل هشتم با تأکید بر نظارت عمومی و متقابل مردم و مسئولان به تقویت پاسخ‌گویی مقامات کمک می‌کند. در حقیقت این اصل مقامات را مجبور می‌کند که در برابر عمل و تصمیمات خود جوابگو باشند آنچه که در این زمینه اهمیت دارد این است که نظارت مردمی می‌تواند از طریق امر به معروف و نهی از منکر، به طور غیر رسمی مقامات را به پاسخگویی در برابر مردم وادار کند (حسینی فر، ۱۳۸۹) هنگامی که مقامات احساس کنند که مردم از طریق این اصل حق نظارت و اعتراض دارند به طور طبیعی تلاش می‌کنند که اقدامات خود را بر اساس منافع عمومی و مطابق با اصول عدالت اجتماعی انجام دهند.

اصل هشتم همچنین به تقویت مسئولیت‌پذیری مقامات حاکم کمک می‌کند. هنگامی که مسئولان دولتی در معرض نظارت مردم قرار دارند بیشتر احتمال دارد که مسئولانه تر عمل کنند و از قدرت خود سوء استفاده نکنند. این اصل با ایجاد یک سیستم نظارتی فعال، مقامات را وادار به پاسخگویی در قبال تصمیمات و اعمال خود می‌کند و مسئولیت‌های آنها را شفاف تر می‌سازد (صادقی، ۱۴۰۰). به علاوه این نظارت موجب می‌شود که مقامات در برابر فساد و سوءاستفاده از منابع عمومی حساس تر شده و در جهت منافع عمومی حرکت کنند.

۵- چالش‌ها و موانع در پیاده‌سازی حکمرانی شایسته از منظر اصل هشتم قانون اساسی

جمهوری اسلامی ایران

پیاده‌سازی حکمرانی شایسته از منظر اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با چالش‌ها و موانع متعددی روبرو است. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، فقدان فرهنگ نظارت عمومی است. بسیاری از مردم به دلیل ناآگاهی یا ترس از عواقب، از اعمال نظارت بر عملکرد مسئولان خودداری می‌کنند (کریمی، ۱۳۸۸). همچنین ضعف در سازوکارهای اجرایی این اصل باعث شده است که نظارت

مردمی به طور کامل عملی نشود (حسینی فر، ۱۳۹۹) از سوی دیگر، محدودیت های قانونی و سیاسی، نیز مانع از اجرای کامل این اصل می شوند، زیرا برخی مقامات ممکن است از نظارت عمومی استقبال نکنند و آن را تهدیدی برای قدرت خود بدانند (صادقی، ۱۴۰۰). علاوه بر این ها، نبود آموزش کافی درباره حقوق و مسئولیت های شهروندی در رابطه با امر به معروف و نهی از منکر، باعث کاهش مشارکت عمومی در این زمینه شده است (رحیمی، ۱۴۰۱) و در نتیجه، این چالش ها و موانع، اجرای کامل اصل هشتم و تحقق حکمرانی شایسته را با دشواری مواجه کرده اند.

۵-۱-- مشکلات موجود در اجرای نظارت عمومی

اجرای نظارت عمومی مورد نظر اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که به امر معروف و نهی از منکر مرتبط است، با چالش ها و موانع مختلفی مواجه است از جمله:

۵-۱-۱- موانع فرهنگی و اجتماعی: از عمده ترین مشکلات اجرای نظارت عمومی، عدم آگاهی و فرهنگ سازی کافی در میان مردم است بسیاری از شهروندان ممکن است از حقوق خود برای نظارت به عملکرد مسئولان اطلاع کافی نداشته باشند یا این که فرهنگ نقد و نظارت در جامعه به اندازه کافی نهادینه نشده است. (حسینی فر، ۱۳۹۹). در حقیقت، فقدان آموزش های عمومی در مورد مفهوم نظارت اجتماعی، موجب می شود که بسیاری از مردم به این حق خود به طور جدی توجه نکنند و آن را در عمل به اجرا نگذارند و علاوه بر این، ترس از واکنش های منفی، مانند انتقام جویی های احتمالی از سوی مسئولان یا نگرانی از پیگرد قانونی موجب می شود که مردم تمایلی به دخالت و نظارت نداشته باشند. در بسیاری از موارد، نظارت عمومی به ویژه در موضوعات حساس، به طور غیر رسمی از سوی جامعه و نهادهای دولتی مورد سرکوب قرار می گیرد (کریمی، ۱۴۰۰). این امر منجر به کاهش مشارکت مردمی در فرآیندهای نظارتی و تصمیم گیری های عمومی می شود.

۵-۱-۲ - محدودیت های قانونی و اجرایی

سازو کارهای اجرایی ضعیف یکی از موانع اصلی در اجرای اصل هشتم است، در حالی که این اصل در قانون اساسی آمده است. به دلیل کمبود و ضعف در قوانینی اجرایی و نظارتی، اجرای مؤثر آن با مشکلات جدی مواجه است به عنوان مثال، نبود نهادهای نظارتی مستقل که به طور کارآمد و شفاف بتوانند نظارت کنند یکی از مشکلات اساسی است. در بسیاری از موارد نهادهای نظارتی تحت تاثیر مقامات دولتی قرار گیرند و نمی توانند به طور مستقل بر دولت و حکومت نظارت کنند (صادقی، ۱۴). علاوه بر این ها، دولت مداری و تمرکزگرایی در بسیاری از ساختارهای حکومتی موجب شده که

نظارت عمومی در عمل بامحدودیت‌هایی روبرو باشد نهادهایی که باید به نظارت بپردازند، گاهی به دلیل فقدان استقلال مالی یا اجرایی، قادر به انجام این وظیفه به طور مؤثر نیستند، به این ترتیب، نظارت بر بسیاری از مسائل به ویژه در سطوح بالای حکومتی به دشواری انجام می‌شود.

۳-۱-۵- محدودیت‌های سیاسی و قدرت حاکم

یکی دیگر از چالش‌های جدی در اجرای اصل هشتم، مقاومت برخی مقامات حاکم در برابر نظارت عمومی است، بسیاری از مقامات ممکن است این نظارت‌ها را تهدیدی برای اقتدار و قدرت خود بدانند و در نتیجه از آن اجتناب کنند یا در برابر آن مقاومت کنند (رحیمی، ۱۴۰۱). این مقاومت می‌تواند به ویژه در دولت‌های با تمرکز قدرت یا در دوره‌های خاص سیاسی که مقامات احساس می‌کنند که نظارت منافع سیاسی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد به شدت دیده شود. در این راستا گاهی اوقات ایجاد محدودیت‌های قانونی برای مانع شدن از نظارت عمومی یا محدود کردن آن به حوزه‌های خاصی از سوی نهادهای حاکم مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین در برخی از موارد ممکن است مقامات اجرایی و نظارتی با فشارهای سیاسی مواجه شوند که مانع از انجام وظایف نظارتی و اجرایی آنها در راستای اصل هشتم می‌شود.

۴-۱-۵- نبود نظارت مستقل و شفاف:

در بسیاری از موارد، نظارت عمومی تحت تأثیر منافع گروه‌های خاص یا سیاست‌های دولت قرار می‌گیرد، به ویژه در زمینه‌هایی که فساد و سوءاستفاده از قدرت مطرح است و عدم استقلال نهادها نظارتی می‌تواند موجب شود که نظارت‌های عمومی نتوانند به طور شفاف و بدون تعارض منافع انجام شوند. در نتیجه فساد و نقص در پاسخگویی در سطوح مختلف حکومتی، مانع از پیشبرد اهداف اصل هشتم می‌شود (حسینی فر، ۱۳۹۹).

۵-۱-۵- عدم هماهنگی بین نهادهای مختلف

وقتی بین نهادهای دولتی و نظارتی همچون دیوان محاسبات، مجلس شورای اسلامی و دیگر ارگانها و نهادها، هماهنگی لازم نباشد کارآمدی نظارت عمومی کاهش می‌یابد در بسیاری از مواقع، نهادهای مختلف که مسئولیت نظارت را بر عهده دارند، به دلایل مختلف از جمله منافع سیاسی یا اختلافات داخلی، هماهنگی کافی برای اجرای مؤثر نظارت‌ها ندارند. این مسئله باعث می‌شود که نظارت بر عملکرد مقامات حاکم در سطوح مختلف با چالش‌های اجرایی مواجه گردد (صادقی، ۱۴۰۰).

۵-۲ - موانع قانونی، اجتماعی و فرهنگی در پیاده سازی حکمران شایسته از منظر اصل هشتم

قانون اساسی

پیاده سازی مدل حکومتی حکمرانی شایسته از منظر اصل هشتم قانون اساسی ج. اسلامی ایران با موانع مختلفی مواجه است به طوری که فرآیند نظارت عمومی، شفافیت و پاسخگویی مقامات را تحت تأثیر گذاشته و عمده‌اً تحقق کامل حکمران شایسته را مختل می‌کند. از جمله این چالش‌ها عبارتند از:

۱-۲-۵ - موانع قانونی: ضعف در قوانین اجرایی مرتبط با اصل هشتم یکی از بزرگترین موانع

است گرچه اصل هشتم در قانون اساسی تصریح شده است اما فقدان سازوکارهای قانونی و اجرایی روشن و موثر برای نظارت عمومی، مانع از تحقق آن در عمل می‌شود. کمبودهای نظارتی مستقل یکی از موانع قانونی است چرا که نهادهای نظارتی موجود، غالباً از نظر مالی، اجرایی و سیاسی تحت تأثیر دولت قرار دارند و قادر به اعمال نظارت مستقل نیستند. برخی قوانین و مقررات به ویژه در حوزه های حساس، ممکن است نظارت عمومی را محدود کنند یا به نحوی تدوین شوند که راه را برای اعمال نظارت موثر بر عملکرد مقامات دشوار سازند. برخی مواقع مقامات دولتی ممکن است از تغییرات قانونی که نظارت عمومی را تسهیل می‌کند استقبال نکنند و این مقاومت‌ها ممکن است به دلیل نگرانی از کاهش قدرت و اختیارات آنها باشد (رحیمی، ۱۴۰۱)

ب-ت - موانع اجتماعی؛ برخی از چالش‌ها و مشکلات در پیاده سازی نظارت عمومی بر اساس اصل هشتم به شکل مستقیم به ویژگی‌های اجتماعی و وضعیت موجود در جامعه مربوط می‌شود از بزرگ‌ترین مشکلات در اجرای نظارت عمومی پایین بودن مشارکت مردم در فرآیندهای نظارتی است. بسیاری از شهروندان از حقوق خود برای نظارت و انتقاد از مقامات بی‌اطلاع هستند یا ممکن است انگیزه کافی برای مشارکت در این فرآیندها نداشته باشند، مشارکت اجتماعی ضعیف می‌تواند ناشی از فقدان آموزش‌های لازم در این زمینه باشد (حسین فری، ۱۳۹۹). برخی از افراد ممکن است از نظارت و انتقاد از مقامات به دلیل ترس از انتقام جویی یا فشارهای اجتماعی خودداری کنند این ترس‌ها می‌تواند ناشی از فضای بسته و سیاسی موجود باشد که در آن منتقدان ممکن است مورد بی‌احترامی یا تهدید قرار گیرند علاوه بر این‌ها، در مواردی، برخی از مردم به دلیل فساد و ناکارآمدی برخی نهادهای نظارتی به این نهادها اعتماد ندارند و در نتیجه در فرآیندهای نظارتی مشارکت نمی‌کنند. این مسئله به

کاهش کارآمدی نظارت عمومی منجر می‌شود و در نهایت حکمرانی شایسته به نتیجه مطلوب نمی‌رسد (کریمی ۱۴۰۰). آثار آن هم محقق نمی‌گردد.

۳۰۲ - ۵ - موانع فرهنگی: این دسته از موانع تأثیر زیادی بر پیاده‌سازی نظارت عمومی دارد. بسیار از شهروندان در ایران از اهمیت نظارت عمومی و حقوق خود در این زمینه آگاه نیستند. این کمبود آگاهی باعث می‌شود که مردم به مشارکت فعال در فرآیندهای نظارتی ترغیب نشوند. مضاف بر این، فرهنگ انتقاد و نظارت در جامعه ایرانی به طور گسترده‌ای نهادینه نشده است و در بسیار از موارد نقد از مقامات ممکن است به عنوان یک تهدید تلقی شود، علاوه بر این، در برخی موارد نظارت عمومی از منظر اصل هشتم به طور نادرست به ابزاری برای دخالت در مسائل خصوصی افراد یا تحمیل نظرات شخصی تبدیل شده است. این تفکر نادرست می‌تواند موجب تضعیف اصل هشتم و از بین بردن هدف اصلی آن که ارتقاء شفافیت و مسئولیت‌پذیری است، شود. برخی از مردم به دلیل وجود فساد و ناکارآمدی برخی از نهادهای حکومتی به نظارت عمومی اعتقاد ندارند و آن را به عنوان یک ابزار موثر برای کنترل قدرت نمی‌بینند (صادقی، ۱۴۰۰).

۶- راهکارها و پیشنهادهای مؤثر برای بهبود حکمرانی شایسته از منظر اصل هشتم قانون

اساسی جمهوری اسلامی ایران

برای بهبود حکمرانی شایسته از منظر اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، که به نظارت عمومی و مسئولیت‌پذیری مقامات حاکمه توجه دارد، راهکارها و پیشنهادهای در چند حوزه مختلف می‌توان ارائه داد: یکی، تقویت فرهنگ نظارت عمومی برای تقویت نظارت عمومی و فرهنگ‌سازی در زمینه حقوق شهروندی، لازم است که در نظام آموزشی و رسانه‌ها به صورت جدی تریه آموزش حقوق و وظایف مردم در زمینه نظارت و انتقاد از مقامات پرداخته شود. این آموزش‌ها باید از سنین پایین و به صورت جامع در جامعه ترویج یابد، همچنین باید فرهنگ نقد سازنده و پاسخگویی مقامات نهادینه شود تا مردم اعتماد بیشتری به فرآیند نظارتی پیدا کنند چرا که آگاهی بخشی در این زمینه می‌تواند به کاهش شکاف بین مردم و مسئولان کمک کند (حسین‌فر، ۱۳۹۱). دوم برای ایجاد حکمرانی شایسته باید نهادهای نظارتی مستقل تقویت شوند این امر می‌تواند به کاهش فساد و افزایش پاسخگویی منجر شود (صادقی، ۱۴۰۰) سوم، برای اجرای موثر اصل هشتم نیاز به اصلاحات قانونی و تقویت سازوکارهای اجرایی وجود دارد قوانین موجود باید به گونه‌ای تغییر کنند که نظارت

عمومی را تسهیل کنند، چهارم، و در راستای حکمرانی شایسته و تقویت نظارت عمومی، ایجاد فضای باز سیاسی اجتماعی برای انتقاد و نظارت از مقامات ضروری است اگر مقامات و مسئولان نظارت عمومی را تهدیدی برای قدرت خود نبینند و از آن استقبال کنند می توان به تحقق حکمران شایسته امیدوار بود. پنجم یکی دیگر از راههای در افزایش حکمرانی شایسته، تقویت مشارکت مردمی در فرآیند های حکمرانی است. این مشارکت باید به طور مستمر و مؤثر در نمای سطوح حکومتی ایجاد شود لذا بدون مشارکت مردمی مؤثر، نظارت عمومی نمی تواند به هدفهای خود بر سر (رحیمی، ۱۴۰۱) بنابراین با ایجاد نهادهای مردمی و گسترش مشارکت در فرآیندهای تصمیم گیری می توان به حکمرانی شایسته و نظارت مؤثرتری به رفتار مقامات حاکمه، دست یافت.

۱-۶- نقش نهادهای مدنی و عمومی در بهبود حکمرانی شایسته

نهادهای مدنی و عمومی در بهبود حکمرانی شایسته نقش بسیار مهم و بنیادینی دارند در کشورهای مختلف به ویژه در نظامهای حکومتی مبتنی بر اصول دموکراتیک، نهادهای مدنی به عنوان یکی از ارکان اساسی در فرآیندهای نظارتی، شفافیت و پاسخگویی مسئولان شناخته می شوند این نهادها می توانند به عنوان پل ارتباطی میان مردم و دولت عمل کرده و در جهت تحقق حکمرانی شایسته گام بردارند از جمله نقش این نهادها عبارتند از:

۱-۱-۱- تقویت نظارت عمومی و مشارکت اجتماعی:

نهادهای مدنی و عمومی می توانند از طریق فعالیت های خود، نظارت دقیق تر و مؤثری بر فعالیت های دولت و مقامات دولتی داشته باشند به عنوان مثال، سازمان های مردم نهاد (NGOs) و رسانه ها می توانند با شفاف سازی اطلاعات و مستند سازی موارد فساد، از وجود فساد اداری و سوء استفاده از قدرت جلوگیری کنند و نهادهای مدنی با آگاهی بخشی و فرهنگ سازی درباره حقوق و مسئولیتهای شهروندان در زمینه نظارت بر مقامات و اداره امور کشور نقش مهمی ایفاء می کنند. این نهادها می توانند با برگزاری کارگاه ها، سمینارها و تولید محتوای آموزشی، مردم را نسبت به حقوق نظارتی خود آگاه سازند مضاف بر این ها، چون این نهادها، خارج از چارچوب دولت ها فعالیت دارند می توانند در راستای ایجاد شفافیت در تصمیم گیری های حکومتی و مسئولیت پذیری مقامات مؤثر باشند. گزارش های مستقل و تحقیقاتی این نهادها می تواند به طور شفاف عملکرد دولت و مقامات را بررسی کرده و به افشای اطلاعات فساد و سوء مدیریت کمک کند، این مسئله نه تنها موجب آگاهی بخشی به مردم می شود بلکه مسئولان رانیز وادار به پاسخگویی و اصلاح عملکردمی کند(صادقی،

۱۴۰۰) نهادهای مدنی، همچنین می‌توانند به تسهیل فرآیندهای دموکراتیک و مشارکتی در جامعه کمک کنند به عنوان مثال، سازمانهای مردم‌نهاد می‌توانند با برگزاری مشاوره‌ها و میزگردهای عمومی، فرصت‌هایی برای مشارکت مردم در فرآیندهای حکومتی ایجاد نمایند و نظرات مردم را به مقامات منتقل کنند. در نتیجه، فرآیندهای حکومتی به طور گسترده‌تر و مشارکتی‌تر از سوی مردم هدایت می‌شود (رحیمی، ۱۴۰۱).

۲-۱-۶- تقویت نهادهای حقوق بشری و فرآیندهای اصلاحی:

یکی دیگر از نقش‌های مهم نهادهای مدنی، تقویت نهادهای حقوق بشری در فرآیندهای حکمرانی است، این نهادها می‌توانند با تمرکز به حقوق شهروندان و پیگیری موارد نقض حقوق بشر، دولت‌ها را به پایبندی بیشتر به حقوق شهروندان و آزادی‌های عمومی وادار کنند نهادهای مدنی می‌توانند به عنوان صدای مردم در برابر سوء استفاده‌های دولتی عمل کرده و حق نظارت عمومی را از طریق حمایت از حقوق بشر تقویت کنند (حسینی فر ۱۳۹۹). مضاف بر این، نهادهای مدنی در مقابله با فساد و افزایش شفافیت مالی در بهبود حکمرانی شایسته، مؤثر است. این نهادها با استفاده از ابزارهایی مانند حسابرسی‌های مستقل، گزارش‌های شفاف و افشاگری‌ها می‌توانند به کاهش سوء استفاده‌های اقتصادی کمک کنند این نهادها می‌توانند در برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی مشارکت کنند و اطمینان حاصل کنند که منابع عمومی به طور شفاف و عادلانه تخصیص می‌یابند (کریمی، ۱۴۰۰). این نهادهای توانمند با فشار بر مقامات برای اصلاح سیاست‌ها و انجام اقدامات اصلاحی از دموکراتیزه شدن سیستم حکمرانی حمایت کنند از سوی دیگر با ایجاد مکانیسم‌های مؤثر نظارتی و پیگیری شکایات عمومی، این نهادها می‌توانند به افزایش پاسخگویی مقامات کمک کرده و از شفافیت در سیاست‌گذاری‌ها حمایت کنند (صادقی، ۱۴۰۰).

۲-۶- اصلاحات لازم در ساختارهای قانونی و اجرایی

با توجه به رسالت اصلی هشتم قانون اساسی و اجرای فریضه اسلامی امر به معروف و نهی از منکر، برای بهبود حکمرانی شایسته در ساختارهای قانونی و اجرایی جمهوری اسلامی ایران، اصلاحات بنیادی و همه‌جانبه‌ای ضروری است و اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر نظارت عمومی و مسئولیت‌پذیری مقامات تأکید دارد و به طور خاص به وظیفه مردم در نظارت بر دولت اشاره می‌کند این اصل می‌تواند به عنوان مبنای اصلاحات ساختاری در حوزه‌های قانونی و اجرایی مورد استفاده قرار گیرد تا حکمرانی شایسته تحقق یابد؛ در این راستا، به

انجام اصلاحات زیر نیاز است؟

۶-۲۰۱- تقویت استقلال نهادهای نظارتی

از جمله چالش های اصلی در فرایند پیاده سازی حکمرانی شایسته وابستگی و عدم استقلال نهادهای نظارتی است، نهادهایی مانند دیوان محاسبات، سازمان بازرسی کل کشور و دیگر نهادهای نظارتی باید از وابستگی های سیاسی و اجرایی رهایی یابند و قدرت کافی برای نظارت بر تمام ارکان حکومت از جمله مقامات عالی رتبه داشته باشند. ایجاد ضمانت های اجرایی برای استقلال این نهادها، همچون تخصیص بودجه مستقل می تواند به تقویت فرآیند نظارت و پاسخگویی کمک کند (صادقی، ۱۴۰۰). این مهم هم موجب رشد و استحکام نهادهای نظارتی می گردد هم، بهبود فعالیت شایسته کمک می کند.

۶-۲۰۲- اصلاح قوانین شفافیت و یا سخگویی:

برای بهبود حاکمیت، بایستی قوانین در کشور توسط نمایندگان مجلس و قانون گذاران وضع شوند که به طور خاص مسئولیت مقامات را در برابر نظارت عمومی و پاسخگویی به فکار عمومی تعیین کنند. این قوانین باید به گونه ای تدوین و تصویب شوند که دولت و مقامات دولتی را مجبور به افشای اطلاعات مالی، اجرایی و تصمیمات کلان کنند به طور مثال، ایجاد سامانه های اطلاعاتی آنلاین دسترسی به اطلاعات عمومی را تسهیل می کند (رحیمی، ۱۴۰۱). به تغییر دیگر راه اندازی این قبیل سامانه ها به شفافیت و پاسخگویی مقامات کمک خواهد کرد.

۶-۳-۲- تقویت حقوق شهروندی و آموزش عمومی

برای این که اصل هشتم قانون اساسی مؤثر واقع شود، نیاز به آموزش عمومی در زمینه حقوق شهروندی و مسئولیت های نظارتی مردم وجود دارد این آموزش ها باید در سیستم آموزش کشور گنجانده شود تا مردم از حقوق خود در نظارت بر مقامات دولتی آگاه شوند این امر به ایجاد یک فرهنگ نظارتی کمک کرده و زمینه های فساد را کاهش می دهند. (حسینی، ۱۳۹۹). بنابر این آموزش حقوق شهروندی در آگاه سازی عمومی در زمینه نظارت و مشارکت در تصمیمات حکومتی بسیار مؤثر و کارآمد خواهد بود.

۶-۳-۴- اصلاح فرآیندهای قضایی و اجرای عدالت

برای تحقق حکمرانی شایسته، ضروری است که فرآیندهای قضایی به گونه ای اصلاح شوند که فساد در این سیستم کاهش یابد و عدالت به طور چشمگیری اجرا شود. این اصلاحات باید شامل توسعه

و تقویت نهادهای قضائی مستقل، افزایش شفافیت در فرآیند های دادرسی و تسهیل دسترسی مردم به عدالت باشد. اصلاح قوانین قضایی و ارتقاء صلاحیت هایی نهادهای قضائی از ضروریات بهبود حکمرانی شایسته است (کریمی، ۱۴۰۰) بنا بر این هم قوانین و هم نهادهای فضایی چنانچه اصلاح شوند حکمرانی شایسته تسهیل و به نحو بهتری محقق می گردد.

۶-۲۰۵- پیشگیری از فساد و مقابله با سوء استفاده های اقتصادی

علاوه بر تقویت نظارت عمومی، باید اصلاحات موثری در قوانین پیشگیری از فساد و مقابله با سوء استفاده های اقتصادی انجام شود این اصلاحات باید شامل ایجاد سازوکارهای مستقل برای رسیدگی به شکایات مردمی، افزایش شفافیت مالی و کنترل دقیق تر منابع مالی دولت باشد نهاد های نظارتی باید با دستگاه های اجرایی همکاری داشته باشند تا تمامی موارد فساد مالی و سوء استفاده های اقتصادی شناسایی و مجازات شوند

۶-۲-۶- تقویت مشارکت مردمی در فرآیندی، حکمرانی:

در فرآیندهای حکمرانی باید مشارکت مردمی به عنوان یکی از اصول اساسی اصلاحات در نظر گرفته شود. باید نهادهای مدنی و عمومی به طور جدی در فرآیندهای نظارتی و تصمیم گیری دخیل شوند، این مشارکت می تواند از طریق ایجاد بسترهای قانونی برای مشاوره با مردم گزارش دهی شفاف و برگزاری جلسات عمومی در سطح دولت نهادهای مدنی شکل گیرد.

۶۰۲۰۷- ایجاد سازوکارهای شفافیت در تصمیم گیری های کلان:

برای افزایش شفافیت در فرآیندهای حکومتی و بهبود حکمرانی شایسته، لازم است که سازو کارهای تصمیم گیری کلان در سطوح مختلف حکومتی شفاف و عمومی شوند. به عبارت دیگر، مردم باید از تصمیمات کلان اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مطلع شوند و بتوانند در این فرآیندها مشارکت کنند ایجاد پلتفرمهای آنلاین و گزارش دهی عمومی می تواند کمک کند تا تصمیمات مقامات دولتی تحت نظارت عمومی قرارگیرد.

۶-۴- برنامه های پیشنهادی برای بهبود حکمرانی شایسته

برای بهبود این نوع مدل از حکمرانی که در واقع با پشتیبانی از احکام الهی، درصدد تحقق رفاه مادی و رشد معنوی جامعه است زنگاه و منظر اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که ریشه دینی دارد نیاز است سیاست ها و برنامه های جدیدی اجرا شود تا به تقویت نظارت عمومی، شفافیت و پاسخگویی مقامات کمک کند ایجاد سامانه های الکترونیکی نظارتی مردمی، تقویت

نهادهای مدنی، آموزشی عمومی، شفافیت مالی، تقویت نهادهای فضایی مستقل، ایجاد پلتفرمهای مشارکتی و حمایت از رسانه های مستقل از جمله اقدامات ضروری هستند که برای تحقق این هدف بزرگ، مؤثر واقع می شوند.

منابع

- احمدی، م. (۱۴۰۰). نقش اصول قانون اساسی در بهبود حکمرانی. پژوهش‌های سیاسی و اجتماعی، ۲۳(۱)، ۲۵-۴۰.
- احمدی، م. (۱۴۰۱). توسعه اجتماعی و سیاسی در سایه نظارت عمومی. توسعه اجتماعی، ۹(۱)، ۸۰-۹۵.
- اکبری، س. (۱۴۰۱). ارتباط میان اصل هشتم قانون اساسی و منافع عمومی در حکمرانی. سیاست‌گذاری عمومی، ۱۵(۴)، ۱۰۵-۱۲۰.
- بهشتی، محمد. (۱۳۶۰). توجیه و تفسیری بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: دفتر نشر فرهنگی اسلامی.
- جمشیدی، س. (۱۴۰۱). مشارکت مردم در سیاست‌گذاری عمومی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی حسینی، م. (۱۳۹۹). نقش نظارت عمومی در تحقق حکمرانی شایسته. مطالعات سیاسی، ۱۵(۲)، ۱۲۰-۱۰۵.
- حسینی فر، ع. (۱۴۰۰). نهادهای مدنی و آموزش حقوق شهروندی در ایران. حقوق عمومی، ۱۶(۲)، ۶۵-۵۰.
- حیدری، علی. (۱۳۹۶). تحلیل رابطه امر به معروف و نظارت عمومی در حقوق ایران. حقوقی مجلس شورای اسلامی، ۲۳(۲)، ۷۵-۹۵.
- رحیمی، ن. (۱۴۰۱). نقش آموزش در تقویت نظارت عمومی. توسعه اجتماعی، ۹(۲)، ۶۰-۷۵.
- رحیمی، ن. (۱۴۰۲). اصلاحات قانونی و اجرایی در راستای حکمرانی شایسته. سیاست‌گذاری عمومی، ۱۰(۳)، ۲۵-۴۰.
- کریمی، ب. (۱۳۹۸). فرهنگ نظارت عمومی و چالش‌های آن. سیاست و حکومت، ۱۸(۳)، ۲۵-۴۲.
- کریمی، ب. (۱۴۰۰). نهادهای مدنی و حکمرانی شایسته: رویکردی به نظارت عمومی. پژوهش‌های سیاسی و اجتماعی، ۲۴(۳)، ۱۰۵-۱۲۰.
- لذکر، مهدی. (۱۳۹۸). امر به معروف و نهی از منکر: مبانی نظری و کاربردی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- مرادی، ش. (۱۳۹۸). اقتصاد و حکمرانی شایسته. تهران: نشر دانشگاهی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۲). عدل الهی. تهران: انتشارات صدرا.
- محمدی، س.، و احمدپور، ک. (۱۴۰۰). پیشگیری از فساد در سایه نظارت عمومی. سیاست و حکومت، ۱۴(۲)، ۳۲-۱۸.
- نجفی، سیدمحمدباقر. (۱۳۹۴). نظارت عمومی و جامعه مدنی در ایران. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.

یوسف‌زاده، حسین. (۱۳۹۹). آموزه‌های اسلامی و مبانی فقهی امر به معروف و نهی از منکر. قم: پژوهشگاه علوم اسلامی.

- OECD. (2015). OECD Principles of Corporate Governance. Organisation for Economic Co-operation and Development.
- UNDP. (1997). Governance for Sustainable Human Development. United Nations Development Programme.
- UNDP. (2002). A Guide to Human Development and the International Human Rights Framework. United Nations Development Programme.
- World Bank. (1992). Governance and Development. Washington, DC: World Bank Press.
- World Bank. (2003). The World Bank's Governance and Anti-Corruption Strategy. World Bank.
- World Bank. (2007). World Development Report 2007: Development and the Next Generation. World Bank.
- World Bank. (2008). A Decade of Action on Governance and Anti-Corruption. World Bank.
- World Bank. (2015). World Governance Indicators. World Bank